

فهرست مطالب

۱۱	گفتگو در کوپاکابانا
۱۹	پائولو کوئیلو کیست؟
۲۳	۱- نشانه‌ها
۴۹	۲- آسایشگاه روانی، زندان، شکنجه
۷۱	۳- زندگی خصوصی
۸۳	۴- سیاست و اخلاق
۹۹	۵- زن
۱۱۷	۶- جادو
۱۳۷	۷- مواد مخدر
۱۴۷	۸- بازگشت به ایمان
۱۵۷	۹- نویسنده
۱۸۱	۱۰- خوانندگان
۱۹۷	۱۱- پائولو، آنا و ماریا

گفتگو در کوپاکابانا

این گفتگوها و اعترافات در خانه پائولو در ریودوژانیرو صورت گرفته است. مقابل ساحل شگفت‌انگیز و دلربای کوپاکابانا، در آغاز ژوئیه سال ۱۹۹۸، زمانی که مسابقات جهانی فوتبال در فرانسه برگزار می‌شد. گاه ناچار می‌شدیم گفتگوها را قطع کنیم تا نویسنده ما بتواند مسابقات را برای مطبوعات فرانسوی تفسیر کند.

طی دیدارهای طولانی، کوئیلو روح خویش را بر ما گشود و از لحظات دردناکی در گذشته‌اش برای نخستین بار پرده برداشت، مانند گذر از کویر اعتیاد، جادوی سیاه و مراسم شیطانی، آسایشگاه بیماران روانی، زندان و شکنجه. در پایان این سخنان، او آرزو کرد که تا بیست سال آینده ناگزیر نشود از زندگی خود سخن بگوید.

همراه من، روزانا موری،^(۱) نویسنده و شاعر برزیلی، حضور داشت. در آغاز، ملاقاتهای ما بعد از ظهرها، پس از پیاده‌روی روزانه پائولو در ساحل، برگزار می‌شد. نویسنده که تمام شب را کار می‌کند، سحرگاه

1- Roseana Murray

به رختخواب می‌رود، صبح را می‌خوابد و بعد از ظهرها را به دیدار و بررسی انبوه پیامها و نامه‌ها سپری می‌کند، اعم از فکس، پیامهای کامپیوتری و یا تلفن‌هایی که از چهارگوشه جهان دریافت می‌کند.

بدین ترتیب، گفتگوهای ما در اطاق او که مشرف به ساحل کوپاکابانا می‌باشد، برگزار می‌شد، جایی که کامپیوترش در آن قرار دارد و این گفتگوها اکثراً توسط پیامهایی که او دریافت می‌کرد و گاهی ما هم توسط بلندگو آنها را می‌شنیدیم، قطع می‌شد. کوئیلو گوش می‌کرد و به تبع محتوای پیام گاهی برای پاسخ‌یه آن از جا برمی‌خاست. یکبار او به ما گفت «معذرت می‌خواهم، دریافت یک فکس از جانب بوریس یلتسین^(۱) را به من باطلاع می‌دهند، که مرا به مسکو دعوت می‌کند.»

یک روز بعد از ظهر، او اظهار تمایل کرد نامه‌های بیشماری را که هر روز دریافت می‌کند، در حضور ما بازکند. اکثر آن نامه‌ها متعلق به اشخاص ناشناس هستند، گاهی بالغ بر چندین صفحه می‌باشند و برایش توضیح می‌دهند که هنگام مطالعه کتابها چه احساسی به آنها دست داد یا پرسشهای غریبی از او می‌کنند و مشاهدات خود را با او به مثابه یک جادوگر خوب، در میان می‌گذارند. آن روز در میان انبوه نامه‌ها، نامه‌ای از وزیر دفاع برزیل به چشم می‌خورد. او نوشته بود که کتاب «مبارزان راه روشنایی» را خوانده است. کوئیلو گفت: «این یک امر عادی نیست، آدمهای مهم به خودشان زحمت نامه‌نویستن نمی‌دهند، حتی اگر به هنگام ملاقات به من بگویند که کتابهایم را خوانده‌اند، کاری که شیمون پرز^(۲) در داوس^(۳) سویس کرد. آنجا نوابغ اقتصاد جهانی گردهم آمده بودند و آن سال از من دعوت کرده بودند تا سخنرانی کنم.»

- 1- Boris Eltsine
- 2- Shimon Peres
- 3- Davos

هنگامی که درباره گردهمایی داوس صحبت می‌کرد، معتقد بود که امروزه این اقتصاددانان و متخصصین مسائل مالی هستند که «کارهای جادویی» می‌کنند، نه جادوگران حرفه‌ای بیچاره.

در آن گردهمایی از برزیل تنها دو نفر دعوت شده بودند یکی پائولو کوئیلو و دیگری فرناندو هنریک کاردوسو^(۱)، ریاست جمهوری برزیل.

منظره دریا از کوپاکابانا، که همه نوسانات رنگ آبی را به‌مرور پیشروی به سوی غروب، به همراه داشت، کوئیلو را واداشت تا بارها از تمثیل دریا استفاده کند. او تمام مدت به زبان اسپانیولی که کاملاً به آن تسلط دارد، صحبت می‌کرد. نویسنده کیمیاگر آدم میانه‌روئی نیست، «او مردیست افراطی، پرشور و درگیر با آنچه خود مبارزه درست می‌نامد»، او از مباحثه نمی‌ترسد هرچند همواره در نهایت سادگی خود را بیان می‌کند. او از هیچ چیز با اطمینان کامل سخن نمی‌گوید، شنیدن بلد است و می‌تواند بپذیرد که ممکن است اشتباه کرده باشد.

یک روز بعد از ظهر، ما ناچار شدیم که یک ساعت تمام گفتگویمان را قطع کنیم چون خانمی که نماینده انتشارات برزیلی آثار او بود همراه یک عکاس حرفه‌ای به آنجا آمده بود تا یک سری عکس جدید برای ارائه و معرفی آخرین رمان کوئیلو به نام ورونیکا تصمیم می‌گیرد بگیرد تهیه کنند. او از ما خواست تا در این برنامه حضور داشته باشیم، عکسهایی که او را در انواع ژست‌ها جاودان می‌کردند، از جمله پابرهنه، چهارزانو در مقابل کامپیوترش و غیره. با توجه به استادی عکاس، مسلم بود که این عکسها بهترین عکسهایی خواهند شد که تا آن روز از وی برداشته‌اند. وقتی نماینده انتشارات از او پرسید: «خوب حالا، با عکسهایی قبلی چکار کنیم؟» کوئیلو جواب داد: «می‌توانید آنها را برای نشریات شهرستان‌ها بفرستید.» در این لحظه، همراه من رزانا با ملایمت گفت: «پائولو تو همان

1- Fernando Henrique Cardoso